



کدام برنامه برای کدام توسعه؟!

وقتی «برنامه» مرده

به دنیای می‌آید! صفحه ۲ را بخوانید

کشورهای همسایه بین صلح و درگیری جنگ آب؛ از هامون تا نیل

چالش توسعه ایران: کمبود تلاش برای توسعه یا زیادی موانع توسعه؟

توکن هواداری منبع درآمدی
برای باشگاه‌های فوتبال

درک شاخص‌های کلیدی عملکرد

پشت‌پا به اخلاق با تحویل
بمب‌های خوشه‌ای به اوکراین

دیدگاه

کناال

دورخیز آمریکا برای حذف ایران از بازار عراق!

در حال حاضر دولت عراق به ۱۵ هزار مگاوات برای تامین برق ۲۴ ساعته خود نیاز دارد. در کنار تلاش برای اتصال به برق کشورهای دیگر، اخیراً هم طی قراردادی ده میلیارد دلاری با نوتال درصد تولید ۱۰۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی و همچنین تامین گاز مورد نیاز خود برای نیروگاه‌های برق است که بیشتر آن از ایران وارد می‌شود. گفته می‌شود تا ۲۰۳۰ احتمالاً در تامین گاز برای این نیروگاه‌ها به خودکفایی برسد. همچنین با شرکت زمینس انرژی آلمان در سال جاری میلادی قراردادی برای نوسازی نیروگاه‌های برق و تولید ۵ هزار مگاوات برق بسته است. بر خلاف برخی که نفوذ و تاثیرگذاری آمریکا در عراق را به وجود نظامی ربطی می‌دهند، اما این نفوذ نه صرفاً سخت‌افزاری به خاطر وجود حدود سه هزار نظامی آمریکایی بلکه بیشتر معطوف به اهرم‌های نرمی چون اقتصاد است. جدا از الزامات هم‌زمانی اقتصادی آمریکا که کشورهای مجبور به همراهی با تحریم‌ها می‌کنند، امروزه شریان اقتصادی عراق عملاً در اختیار آمریکاست که از سال ۲۰۰۳ در نتیجه توافقاتی به بهانه محفوظ ماندن اموال عراق از شکایت کشورهای متضرر از سیاست‌های صدام، درآمدهای نفتی عراق به حسابی در فدرال رزرو آمریکا واریز می‌شود و با وجود منتفی شدن علت پیشگفته با پرداخت کل غرامت جنگی ۵۲ میلیارد دلاری به کویت و اعلام نبود شکایت از کشور دیگری برای دریافت غرامت، هنوز هم درآمدهای نفتی عراق به همان حساب در بانک مرکزی آمریکا واریز می‌شود و با وجود انتقال مدیریت و نظارت بر این اموال به بانک مرکزی عراق در چارچوب توافقنامه سال ۲۰۰۸، ولی آمریکا همچنان بر این اموال که به حدود ۱۱۵ میلیارد دلار رسیده است، نظارت دارد و عراق نمی‌تواند حتی یک دلار از آن را بدون موافقت بانک مرکزی آمریکا برداشت کند. برداشت از این حساب هم مکانیسم خاص خود را دارد که ابتدا بانک مرکزی عراق باید طی درخواستی دلیل و محل هزینه اموال را توضیح دهد و بررسی این درخواست نیز حدود ۲۰ روز طول می‌کشد و دلار از طریق هواپیما با محاسبه هزینه انتقال و بیمه به بغداد منتقل می‌شود. در کنار آن هم عراق در دو سال اخیر سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار آمریکا را دو برابر کرده و به ۴۰ میلیارد دلار رسانده است. بنابه شرحی که رفت اساساً فرمان تجارت خارجی عراق دست آمریکا است و اگر دوز فشارهایش بر بغداد برای محدود کردن تجارت با ایران بالا ببرد که تحریم‌های بانکی اخیر پس از اتصال عراق به نظام مالی «سوئیفت» نشانی از آن است، عراق عملاً توان مخالفت ندارد.

صابر گل‌عنبری

هر چند تجارت ۱۱ میلیاردی ایران با عراق در مقایسه با تجارت ۱۶ میلیاردی امارات و ۵۳ میلیاردی چین با این کشور فاصله دارد، اما قابل توجه و بغداد از شرکای تجاری مهم تهران است. با این حال، ادامه چالش‌های کنونی می‌تواند افق این تجارت را تیره و تاریک کند و به آن آسیب جدی برزند و در مقابل عرصه عراق عملاً در اختیار بازیگران دیگری چون ترکیه، امارات، عربستان در سایه دورخیز آن‌ها برای تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری در عراق قرار گیرد. یک روی خبر وال استریت ژورنال آمریکا مبنی بر تحریم ۱۴ بانک عراقی به دلیل معامله دلار با تهران جلوگیری از انتقال ارز به ایران است، اما روی دیگر آن دورخیز آمریکا برای حذف ایران از بازار عراق است؛ هدفی که تا دوام مشکلات ناشی از پرداخت بهای برق و گاز صادراتی به عراق به علت تحریم‌های آمریکا و آزادی قطره چکانی این اموال به دستور واشنگتن به تحقق آن کمک می‌کند. هر چند سیستم بانکی در عراق چندان قوی نیست، اما تحریم بانک‌های عراقی نه تنها، بغداد را بیشتر در تجارت با ایران از بیم تشدید این تحریم‌ها در آینده دست به عصا خواهد کرد، بلکه احتمالاً دیگر کشورهای همسایه را نیز که در سال‌های اخیر به نوعی سطح تبادل کالا میان آن‌ها و ایران افزایش یافته، در توسعه تجارت یا تهران بیشتر دچار تردید کند. در کنار آن نیز همین که هر از چند گاهی مشکلات بغداد در پرداخت بدهی‌های ایران به علت تحریم‌ها و دستورات قطره چکانی آمریکا با میانجیگری این و آن بر جسته می‌شود، خود به خود بازدارندگی تحریم‌ها در ذهن تصمیم‌گیران دیگر کشورهای تقویت می‌شود. بغداد برای حل بحران برق و مشکلات ناشی از واردات برق از ایران پروژه‌های مختلفی را از جمله اتصال به شبکه بقی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، شبکه عربستان، اردن و مصر در دستور کار دارد و می‌خواهد از این طریق حدود ۴ هزار مگاوات برق را تا حدود دو سال آینده برای نیازهای ضروری تامین کند. در حال حاضر هم سالانه ۴ هزار مگاوات برق از ایران وارد می‌کند؛ اما نیروگاه‌های برق آن با ظرفیت تولید ۲۰ هزار مگاوات بیشتر متکی به گاز وارداتی از ایران است. فعلاً عراق نمی‌تواند بی‌نیاز از برق و گاز ایران شود اما با طرح‌هایی که در دستور کار دارد، می‌خواهد تدریجاً از اتکالی به آن بکاهد.

جیب‌بری از طریق تورم بهینه‌تر است یا زورگیری از طریق مالیات؟

مرتضی کاظمی

و بهینه‌ترین راه از طریق تامین پولی آنهاست. یعنی از طریق ایجاد تورم. سیاستمداران، ایده‌های چنین اقتصاددان‌هایی را عاشقانه می‌پذیرند. شما به سیاستمدار می‌گویید که مهم نیست که ولخرجی‌های زیادی داری؛ برو جلو و هر چقدر می‌توانی ماجراجویی کن؛ دست در جیب مردم، تا می‌توانی به زورگیری و جیب‌بری ادامه بده. به ولخرجی‌ها ادامه بده تا وقتی اقتصاددان‌های تحصیلکرده در کنار هستند راه‌های جدید برای زورگیری و مالیات‌گیری را به تو نشان می‌دهند. سیاستمدار عزیز تا می‌توانی مالیات بگیر و تورم بساز. بر اساس ادبیات اقتصاد کلان و بر اساس نظریات قدیمی‌تر که توسط جان مینارد کینز ارائه شده و بر اساس ایده‌های جدیدتری که توسط مایکل وودفورد و جان هولاند کارکین به ادبیات اقتصاد پولی اضافه شده (مرعوب اسم‌ها شدید؟) اقتصاددان‌ها و روشنفکران تشخیص داده‌اند سیاستمداران و دولت‌مردان، در صورتی که نتوانند ولخرجی‌ها و ماجراجوی‌ها را از طریق زورگیری و مالیات‌گیری تامین کنند؛ بهینه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار ایجاد تورم است. بله ایجاد تورم حتی تا ۳۰ درصد! بله؛ متناسفانه اقتصاددانان (از نوع چپ و کینزی و پساکینزی و حتی از نوع متعارف) معمولاً شریک دولت‌مردان و سیاستمداران در بسط زورگیری و جیب‌بری و حق‌خوری بوده‌اند و هستند. متناسفانه!

می‌فهمم که برای بعضی از ما این سؤال عجیب و ناامیدکننده است؛ اما باور کنید که اساتید در دانشکده‌های اقتصاد چه ایرانی و چه غیرایرانی به این سوال مشغول و مألوف بوده‌اند و هستند. جواب من (مرتضی کاظمی) به این سوال این است که به جای جیب‌بری‌های تورمی و زورگیری‌های مالیاتی، ولخرجی‌های دولتی/حکومتی و حتی هزینه‌های به‌ظاهر ضروری را کاهش دهید؛ اما جواب اقتصاددان‌های پرطالع معمولاً متفاوت است. آنطور که من متوجه شده‌ام، اقتصاددان‌های مذکور معمولاً خود را در جایگاه مشاور تامین مالی دولت (و نه طرفدار مردم) در نظر می‌گیرند و معمولاً توصیه می‌کنند دولت از هر روشی که در دسترس دارد برای تامین مالی استفاده کند. یک گروه سیصد نفره عزم که تقریباً همگی دانش‌آموخته یا اساتید در رشته اقتصادند. آنطور که به نظر می‌رسد اعضای فعال در این گروه به‌صورت جدی مرعوب ایده‌ای شده‌اند که در ادامه می‌نویسم. آن ایده اینگونه است که: «اگر شما یک دولتی با کسری‌های پایدار بود چه (بنابر هر دلیلی، درست یا نادرست) داشته باشید و آن دولت بخواهد این کسری‌ها را بدون کاهش در آنها از روش‌های مختلف تامین مالی کند بر اساس ادبیات کلان موجود، کم‌هزینه‌ترین

وقتی «برنامه» مرده به دنیا می آید!

محمد قاسمی | رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تعادل کوتاه مدت

نخست، سازمان برنامه بودجه فعلی توان حل مسائل کشور و تدوین برنامه را دارد؟ خیر. چون اساساً بیشتر نگران تعادل کوتاه مدت است. البته نمی دانیم چقدر نگران تعادل کوتاه مدت است؛ اما مسئول بودجه است و بودجه هم یعنی تعادل کوتاه مدت. تمام وقتش آنجا است و تمام ارکانش آن طور شکل گرفته اند و حتی اگر برنامه هم می نویسد، لایه لای آن برنامه به دنبال گذاشتن احکامی است که بتواند بودجه اش را کنترل کند. اساساً موتور توسعه ای در آن تعیین نمی شود. کشور گم شده است!

دوم، نهادسازی برای توسعه در ایران از دهه ۵۰ به بعد تعطیل شده است. دهه ۴۰ اوج نهادسازی برای توسعه اقتصادی است. می توانم بگویم که بعد از انقلاب به جز جهاد سازندگی (صرف نظر از قضاوت ها درباره درستی دیدگاه آن موقع درباره عدالت و نحوه محرومیت زدایی) که توانست چند سال اول انقلاب که هنوز بروکرات نشده بود، کار کند و واقعاً هم کار کرد، دیگر نهادسازی اقتصادی تعطیل شد. بنابراین بله، واقعاً به یک نهاد احتیاج داریم که بتواند مسئولیت هماهنگ سازی سیاست های اقتصادی سطح کلان کشور و ایجاد اجماع در هدفی که عرض کردم گم شده را فراهم کند. به تعبیر من کشور گم شده است. مثل شخصی که گم می شود و نمی داند که الان باید از این طرف برود یا آن طرف. الان اهداف و راهبردها مشخص نیستند. حتماً برای این سطح نیاز است که سازمان دهی متفاوتی انجام شود. اتفاقاً اُس نهاد های سه قوه باید در آن حضور داشته باشند و بتوانند از کار روزمره هم جدا باشند و فقط طرح های کلان کشور را پیش ببرند. اقدام به بازسازی نظام سیاست گذاری کشور کند. من حقیقتاً راهی به جز این به ذهنم نمی رسد برای اینکه بتوان نظم را به لحاظ تصمیم گیری در کشور برقرار کرد.

اساساً جدی نیست!

توجهی به فضای بین الملل و اثر آن بر کشور و دستیابی به اهداف نداریم. در برنامه پنجم و ششم آثار فضای تحریمی بر کشور مشخص بود. کجای برنامه از این مسئله حرفی زده شده است؟! انگار که عاقلان نادیده گرفته شده است. بعد یک کتاب نوشته می شد که می خواهیم به اینجا برسیم. سرمایه گذاری در نفت این قدر، سرمایه گذاری در حوزه های برق این قدر. در زمان تدوین و تصویب برنامه پنجم، سازمان برنامه در جلسه ای گزارش شفاهی داد که نمی شود به رشد ۸ درصدی رسید. آن جلسه محدود بود. رئیس جلسه به نتیجه رسید که این نکته را به مقامات عالی کشور بگویم؛ بعداً فضای جلسه به این سمت رفت و وظیفه ما تصویب است. بنابراین بدون



برنامه هفتم و تحولات جهانی

اگر برنامه هفتم بخواهد تحول آفرینی کند، اول از همه باید رودرپایستی را با خودش کنار بگذارد. سازمان برنامه بودجه، مجلس و... برگردند و قبول کنند که نوع نگاه به مسائل و مشکلات کشور باید متفاوت باشد. اگر نخواهد این را قبول کند، کارشناس نمی تواند کاری کند. اگر سیاست گذاران کشور با این دید متفاوت نگاه کنند، اتفاقاً برنامه هفتم در یک برهه زمانی تاریخی به لحاظ بین الملل دارد تهیه می شود که تحولی در کلان روندهای بین المللی می بینیم. مثل انتقال قدرت اقتصادی به آسیا، مثل بحث مهم شدن مسیرهای تأمین کالا و مواد اولیه، مثل مهم شدن موضوع انرژی و به ویژه انرژی های نسبتاً کم آلاینده مثل مثل گاز. تحولات تکنولوژیک شگرفی در پیش است مثل اهمیت یافتن کاربرد هوش مصنوعی در حوزه های مختلف. الان قدرت های بین المللی همه در حال یارگیری برای دهه های آینده هستند. اگر ایران در این تحولات نظام بین الملل بتواند خوب بازی کند، اتفاقاً برنامه هفتم می تواند نقطه عطفی باشد برای حل بعضی از مشکلات کشور. اما در مقابل اگر خوب این تحولات را درک نکنیم و خوب بازی نکنیم تقریباً ایران تبدیل می شود به یک بروت به لحاظ ژئوپلیتیک. موقعی که نه خط لوله انرژی بین المللی مهمی از کشور رد شود، نه مسیر ترانزیت مهمی تلقی شود، نه بندر و فرودگاه مهمی به لحاظ جهانی در آن وجود داشته باشد، دیگر منابع انرژی زیرزمینی که باقی می ماند چندان فایده ای برای کشور دارد. امیدواریم که این وضعیت فهم و از این فرصت استفاده شود!

از سیاست گذاران ما نگاه از بالا به پایین و نگاه ارباب رعیتی به جامعه دارند. اگر این روحیه در برنامه هفتم حاکم باشد و اینکه حتماً می خواهیم طرف چهار پنج ماه آن را جمع و تصویب کنیم، پاسخ خیر است.

جدافتادگی ایران از جهان

زمانی در برنامه ششم در مرکز پژوهش های مجلس به صراحت نوشتیم که برنامه ششم توسعه، برنامه بقا است. اگر توجه نشود، از این پس مسائل و مشکلات و روندها است که کشور را هدایت می کند، نه سیاست گذار. هر روز یک مسئله خواهیم داشت. به همین صراحت؛ اما به آن توجهی نشد. بخشی از آن هم مقصر دولت وقت بود که رفته بود در این موضع که من اصلاً برنامه برای چه می خواهم. بدین ترتیب برنامه ششم ناقص الخلقه به دنیا آمد. برنامه ششم را مجلس نوشت، نه دولت. اصلاً معلوم نبود که ماهیت آن چیست. در برنامه هفتم توسعه فضا پیچیده تر شده است. توان تولیدی کشور تحلیل رفته است. کشور از جریان های اصلی اقتصاد بین الملل و تجارت بین الملل جدا شده است. کشور از جریان های اصلی تکنولوژی در دنیا جدا شده است. کشور از جریان های اصلی مالی بین المللی جدا شده است. این ها و اقیانوس روز جامعه ایران است. تعارف نباید کرد. ما دو بار در چنین موقعیتی در طول تاریخ بودیم. یک بار در انتهای قرن هجدهم و یک بار در انتهای قرن نوزدهم. وقتی بررسی می کنیم، می بینیم که آنجا هم ایران تقریباً به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از جریان های اصلی نظام بین الملل جدا شده بود؛ الان هم متأسفانه داریم در چنین فضایی قرار می گیریم.

تعارف باید گفت همان موقعی که برنامه در حال تهیه و سپس تصویب است، برنامه مرده به دنیا می آید. اساساً جدی نیست.

نباید تعارف کرد

یعنی همان لحظه ای که کار دارد انجام و بعد تمام می شود، همان کسانی که درگیر بودند می دانند که برنامه چیزی جز یک سری احکامی که فرایند قانون گذاری طی کرده است و حداکثر کاربرد آن توجیه درخواست پول از سازمان برنامه بودجه است. حقیقتاً آن کشور در نقطه ای است که نباید راجع به این موضوعات تعارف کرد. اگر قرار است که برنامه هفتم هم همین سرنوشت را پیدا کند، اصلاً تهیه آنچه فایده ای دارد؟! انگار فقط یک مراسم اداری است. یک چیزی می نویسیم و تحویل می دهیم. قرار هم نیست که بعداً کسی راجع به این مسئله بازخواست کند.

فقط ما بلدیم و احتیاج به هیچ کس دیگری هم نداریم!

اگر قرار باشد برنامه هفتم هم اسیر تعارفات سیاسی و اداری باشد، یعنی اگر قرار باشد که بگویند ما می خواهیم حتماً تا آخر شهریور برنامه را تصویب کنیم و خودمان می فهمیم مسئله چیست، پاسخی به ابهام های جامعه داده نخواهد شد. یعنی سازمان برنامه بودجه و دولت و مجلس بروند در موضعی که ما می فهمیم، و هیچ کس دیگر هم نمی فهمد؛ ما بلد هستیم و احتیاج به هیچ کس دیگری هم نداریم؛ خودمان می نشینیم تصمیم می گیریم. در این صورت مشکلات جامعه حل نمی شود. متأسفانه بسیاری

چالش توسعه ایران: کمبود تلاش برای توسعه یا یزیدی موانع توسعه؟



شماره ۱۶۹، مقایسه شاخص های توسعه ایران و میانگین جهانی

به نشان می دهد که نمره ایران در شاخص های توسعه سنج بهتر از شاخص های توسعه ساز شده است. اما همان گونه که قبلاً نیز اشاره کردیم، چون شاخص های این دو دسته با هم متفاوت هستند، مقایسه نمره این دو گویا و معنی دار نیست و باید فاصله این نمره به دست آمده با میانگین جهانی را مقایسه کنید. در نمودار زیر فاصله نمره شاخص ترکیبی توسعه سازها و توسعه سنج ها با میانگین جهانی نمایش داده می شود.

پوشش فکری توسعه
صدخانه توسعه

عدالت توسعه سنج بوده و شاخص های مربوط به مشارکت مدنی، سرمایه گذاری ها، قوانین و مقررات، مدیریت منابع و... توسعه ساز هستند. با تقسیم همه ۳۸۰ شاخص توسعه به این دو دسته، ۱۷۶ شاخص توسعه ساز و ۲۰۸ شاخص توسعه سنج به دست می آید که البته برخی از آنها را می توان در هر دو دسته قرار داد. حال با محوریت این دو دسته شاخص های ترکیبی، منظرهای پنج گانه را محاسبه می کنیم و سپس با تجمیع وزنی آنها به شاخص ترکیبی دست می یابیم. مقایسه شاخص ترکیبی توسعه ساز و توسعه سنج

هستند که برای توسعه صورت می گیرد. به عنوان مثال زمانی که زیرساخت های صنعت افزایش می یابد، لزوماً به معنای تحقق توسعه اقتصادی نیست. البته ارتقای زیرساخت ها کمک می کند تا تولید شکل بگیرد و درآمد سرانه افزایش یابد و به نوعی شرط لازم است. به همین دلیل به این شاخص توسعه ساز می گویند. در مقابل شاخص های توسعه سنج هستند که افزایش آنها نشان می دهد که توسعه در منظر مربوطه جامعه در حال تحقق است. اما به طور مستقیم نمی توان تغییری در آن شاخص ایجاد کرد. درآمد سرانه یکی از مهم ترین شاخص های توسعه سنج است. به شکل مستقیم نمی توان برای افزایش درآمد سرانه مردم برنامه ریزی کرده و راهبردی طراحی کرد. حتماً این افزایش باید از طریق شاخص های دیگر مانند زیرساخت های اقتصادی، حمایت از تولید و قوانین و... صورت بگیرد. باین حال این شاخص می تواند به خوبی نشان دهد که تا چه حد توسعه در منظر اقتصادی محقق شده است. بر همین اساس شاخص های مربوط به آزادی و

مناسب است. سؤال این است که آیا در توسعه ایران حجم سرمایه گذاری انجام شده در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فردی و زیست محیطی با توسعه ای که در این ابعاد صورت گرفته است، تناسب دارد؟ اگر چنین تناسبی وجود داشته باشد، به این معناست که فرآیندهای توسعه نیز متناسب با سرمایه گذاری ها ارتقاء یافته اند و مشکلی در این میان نیست. اما اگر این دو متناسب نباشند، چالش توسعه ایران، مشابه با بنگاه مثالی ما خواهد بود. در این یادداشت قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا حجم توسعه تحقق یافته در ایران متناسب با سرمایه گذاری های انجام شده است؟ برای تحلیل بهتر و دقیق تر از شاخص های توسعه کمک می گیریم. شاخص هایی که منظرهای مختلف توسعه را نمایش می دهد می توانیم به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول شاخص های «توسعه ساز» هستند که بهبود وضعیت در آنها منجر به حرکت در مسیر توسعه می شود. این شاخص ها به نوعی همان سرمایه گذاری هایی

بنگاهی را تصور کنید که با هدف تولید دوچرخه تأسیس شده است و هر ماه تعداد زیادی بدنه دوچرخه، چرخ ها و سایر قطعات را خریداری و در انبار خود قرار می دهد تا فرآیند دوچرخه سازی ادامه پیدا کند. اگر این بنگاه قصد توسعه و افزایش تعداد دوچرخه های تولیدی را داشته باشد، اولین پیشنهاد این است که باید تعداد قطعات دوچرخه بیشتری خریداری کند تا امکان توسعه بنگاه فراهم شود. پس بنگاه خرید قطعات را افزایش می دهد. اما می بیند در تعداد دوچرخه ای که تولید می شود تغییری ایجاد نشده است! بنابراین دومین تصمیم می گیرد حجم خرید قطعات را برای ماه بعد افزایش دهد، پس از بررسی دوباره متوجه می شود تعداد دوچرخه خروجی تغییری نکرده است. شفاف فکر می کنیم مشکل کجاست؟ بله به سادگی می توان گفت تعداد کارگرانی که این دوچرخه را سرهم کرده و به بازار عرضه می کنند برای سطح جدید توسعه کافی نیست. این مثال بسیار ساده البته نمی تواند به طور دقیق بحث ما را روشن کند، اما برای آمادگی ذهن



پوشش زمینست

کشف جدید زیست‌شناسان کاهش گرمایش زمین با افزایش جمعیت نهنگ‌ها

افق اقتصاد وقتی صحبت از نجات سیاره می‌شود، یک نهنگ ارزش هزاران درخت را دارد. تحقیقات علمی اکنون به وضوح بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد که ردپای کربن ما - انتشار دی اکسید کربن (CO₂) در جو که در آن به گرمایش جهانی از طریق به اصطلاح اثر گلخانه‌ای کمک می‌کند - اکنون اکوسیستم و شیوه زندگی ما را تهدید می‌کند. اما تلاش برای کاهش تغییرات آب و هوایی با دو چالش مهم روبرو است. اولین مورد، یافتن راه‌های مؤثر برای کاهش میزان CO₂ در جو یا تأثیر آن بر میانگین دمای جهانی است. دوم جمع‌آوری بوده‌جده کافی برای به کارگیری این فناوری‌ها است.

به گزارش IMF بسیاری از راه‌حل‌های پیشنهادی برای گرم شدن کره زمین، مانند جذب مستقیم کربن از هوا و دفن آن در اعماق زمین، پیچیده، آزمایش نشده و گران هستند. اگر ارحلی با تکنولوژی پایین برای این مشکل وجود داشت که نه تنها مؤثر و مقرون به صرفه بود، بلکه یک مدل تامین مالی موفق نیز داشت؟ نمونه‌ای از چنین فرصتی از یک استراتژی ساده و اساساً بدون فناوری، برای جذب کربن بیشتر از جونا ناشی می‌شود: افزایش جمعیت نهنگ‌ها در جهان. زیست‌شناسان دریایی اخیراً کشف کرده‌اند که نهنگ‌ها - به ویژه نهنگ‌های بزرگ - نقش مهمی در جذب کربن از جو دارند (رومن و دیگران ۲۰۱۴). و سازمان‌های بین‌المللی برنامه‌هایی مانند کاهش انتشارات ناشی از تخریب و جنگل زدایی (REDD) را اجرا کرده‌اند که حمایت از اکوسیستم‌های جذب کننده کربن را تأمین می‌کند.

انطباق این ابتکارات برای حمایت از تلاش‌های بین‌المللی برای احیای جمعیت نهنگ‌ها می‌تواند منجر به پیشرفت در مبارزه با تغییرات آب و هوایی شود.

پتانسیل جذب کربن نهنگ‌ها واقعاً شگفت‌انگیز است. نهنگ‌ها در طول عمر طولانی خود کربن را در بدن خود جمع می‌کنند. وقتی می‌میرند، در قعر اقیانوس فرو می‌روند. هر نهنگ بزرگ به طور متوسط ۳۳ CO₂ را جذب می‌کند و این کربن را برای قرن‌ها از جو خارج می‌کند. در همین حال، یک درخت تنها تا ۴۸ پوند CO₂ در سال جذب می‌کند.

حفاظت از نهنگ‌ها می‌تواند به میزان قابل توجهی به جذب کربن کمک کند، زیرا جمعیت فعلی بزرگترین نهنگ‌های بزرگ تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که قبلاً بوده است. متأسفانه،

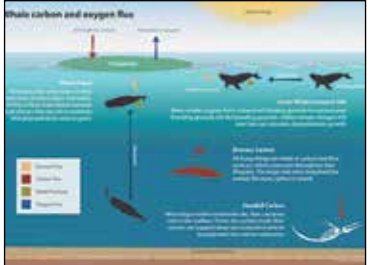
پس از دهه‌ها صید نهنگ صنعتی، زیست‌شناسان تخمین می‌زنند که جمعیت نهنگ‌ها در حال حاضر به کمتر از یک چهارم جمعیت قبلی رسیده است. برخی از گونه‌ها، مانند نهنگ‌های آبی، تنها به ۳ درصد از فراوانی قبلی خود کاهش یافته‌اند. بنابراین، مزایای خدمات اکوسیستم نهنگ‌ها برای ما و بقای ما بسیار کمتر از آن چیزی است که می‌تواند باشد.

اما این تنها آغاز داستان است. پمپ نهنگ

در هر کجا که نهنگ‌ها، بزرگترین موجودات زنده روی زمین، یافت می‌شوند، جمعیت برخی از کوچکترین فیتوپلانکتون‌ها نیز وجود دارند. این موجودات میکروسکوپی نه تنها حداقل ۵۰ درصد از کل اکسیژن را به جو ما کمک می‌کنند، بلکه این کار را با جذب حدود ۳۷ میلیارد تن CO₂ انجام می‌دهند، که تخمین زده می‌شود ۴۰ درصد از کل CO₂ تولید شده را به خود اختصاص دهد. برای در نظر گرفتن همه چیز، ما محاسبه می‌کنیم که این معادل مقدار CO₂ است که توسط ۱،۷۰ تریلیون درخت - ارزش چهار جنگل آمازون یا ۷۰ برابر مقدار جذب شده توسط همه درختان در پارک‌های ملی و ایالتی Redwood ایالات متحده در سال است. فیتوپلانکتون بیشتر به معنای جذب کربن بیشتر است.

طوفان‌های گرد و غبار، رسوبات رودخانه‌ها و بالا آمدن باد و امواج به اقیانوس منتقل می‌شوند، نیتروژن و فسفر کمیاب می‌مانند و مقدار فیتوپلانکتون‌هایی را محدود می‌کنند که می‌توانند در بخش‌های گرم‌تر اقیانوس‌ها شکوفا شوند. در مناطق سردتر، مانند اقیانوس جنوبی، ماده معدنی محدودکننده تمایل به آهن دارد. اگر تعداد بیشتری از این مواد معدنی از دست رفته در قسمت‌هایی از اقیانوس که در آنها کمیاب هستند در دسترس باشند، فیتوپلانکتون‌های بیشتری می‌توانند رشد کنند و به طور بالقوه کربن بسیار بیشتری را نسبت به موارد دیگر جذب کنند.

در سال‌های اخیر، دانشمندان کشف کرده‌اند که نهنگ‌ها در هر کجا که می‌روند، اثر چند برابری در افزایش تولید فیتوپلانکتون دارند. چگونه؟ به نظر می‌رسد که مواد زائد نهنگ‌ها دقیقاً حاوی موادی هستند - به ویژه آهن و نیتروژن - فیتوپلانکتون‌ها برای رشد نیاز دارند. نهنگ‌ها مواد معدنی را از طریق حرکت عمودی خود که «پمپ نهنگ» نامیده می‌شود، و از طریق مهاجرت خود در اقیانوس‌ها به نام «تسمه نقاله نهنگ» به سطح اقیانوس می‌آورند (نمودار را ببینید). مدل‌سازی و تخمین‌های اولیه نشان می‌دهد که این فعالیت لقای به طور قابل توجهی به رشد فیتوپلانکتون‌ها در مناطقی که نهنگ‌ها زیاد است می‌افزاید.



علیرغم این واقعیت که مواد مغذی از طریق

رالف چامی - دستیار مدیر موسسه توسعه ظرفیت صندوق بین‌المللی پول است.
توماس کوزیمانوا - استاد بازنشسته در کالج بازرگانی مندوزا در دانشگاه نوتردام است.
کانل فولنکامپ - استاد اقتصاد و مدیر مطالعات کارشناسی در گروه اقتصاد دانشگاه دوک است.
ئنا اوتوسون - یک تحلیلگر پژوهشی در موسسه توسعه ظرفیت صندوق بین‌المللی پول است.

گزارش

کوه آتشفشان می‌تواند راه حلی برای ذخیره‌سازی کربن دی‌اکسید باشد

نویسنده: نیکول لوک | برگردان: آیدا مشیرنیا



ظاهراً دانشمندان در لیبسون بهترین مکان برای ذخیره سازی کربن دی اکسید را پیدا کرده اند. یک کوه آتشفشان در سواحل پرتغال می‌تواند کربن دی اکسید را در سنگ‌ها ذخیره کند. مکان‌های متعددی نسبت به آنچه تا کنون محققان به آن دست یافته‌اند دارای این ویژگی هستند.

این تنها به ذخیره کردن گاز کربن دی اکسید محدود نمی‌شود. وقتی قصد محدودسازی تغییرات اقلیمی را داریم باید به ذخیره کردن گازهای اضافی آلوده کننده جو و ذخیره سازی آنها بصورت ایمن فکر کنیم. تاکنون برای ذخیره سازی روش‌های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته‌اند. حال روش دیگری هم مطرح شده است. یک تیم تحقیقاتی از پرتغال، آتشفشان غیرفعال راه حلی کامل بشمار می‌آورد.

دانشمندان محاسبه کرده‌اند که می‌توان بین ۱،۲ تا ۸،۶ گگاتن کربن دی اکسید در آتشفشان‌ها ذخیره کرد؛ بنابراین دامنه این امکانات بسیار گسترده است و بدون شک پژوهش‌های بیشتری لازم است. امانت‌ناج تاکنون حیرت‌انگیز بوده‌اند. نگاهی به اعداد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲ با توجه به داده‌های مؤسسه جهانی CCS به طور کل ۴۲،۶ مگاتن کربن دی اکسید از طریق تلاش‌های جهانی به وسیله جداسازی و ذخیره‌سازی کربن از اتمسفر در سراسر جهان جذب شده است.

مطالعه‌ای جدید نشان می‌دهد که جداسازی و ذخیره‌سازی کربن در آتشفشان‌های زیر دریایی می‌تواند راهکاری امیدوارکننده برای ذخیره‌سازی گازهای گلخانه‌ای به نحوی سازگار با محیط‌زیست باشد.

مامی دانیل که اغلب کشورها، از جمله پرتغال، تلاش‌هایی در جهت کاهش استفاده از کربن در اقتصاد و فعالیت‌های کنونی خود دارند. نتایج نشان می‌دهد این تلاش‌ها می‌توانند ابزاری برای حل مشکلات ذکر شده باشند. (ریکار دو پریرا، زمین‌شناس در مدرسه علوم و فناوری NOVA و یکی از نویسندگان این مقاله)

پتانسیل ذخیره‌سازی کربن دی اکسید در یک آتشفشان خاموش به میزان مینرال کربونات‌سین در محل برمی‌گردد. در این فرآیند، کربن دی اکسید با عناصر موجود در برخی از سنگ‌های خاص واکنش نشان می‌دهد در نتیجه مواد معدنی جدیدی

کربن در نهایت پس از یک دهه یا یک قرن، شروع به تشکیل مواد معدنی می‌کند. این امر بدیهی است؛ بنابراین برای جامعه تخصصی شگفت‌انگیز بود که بر اساس یک تحقیق در ایسلند، کربن دی اکسید هدایت شده در زیرزمین تنها در طول دو سال معدنی شده بود. در این صورت نشستی‌های ممکن دیگر مشکلی برای این فرآیند ایجاد نمی‌کنند.

این نتایج، تیم پرتغالی را به انجام مطالعه‌ای ترغیب کرد. داوید گامبو زمین‌شناس در دانشگاه آوبرو و همچنین نویسنده این مقاله توضیح می‌دهد: آنچه که معدنی سازی کربن را جالب می‌کند، تأثیر زمان است. هر چه کربن دی اکسید سریع‌تر معدنی شود، ذخیره‌سازی آن ایمن‌تر است. محققان پتانسیل ذخیره‌سازی آتشفشان‌های قدیمی فونتانلاس که حدود ۱۰۰ کیلومتری ساحل لیبسون واقع شده و بخشی از آن از بین رفته است و قله آن حدود ۱۵۰ متر زیر سطح دریا قرار دارد را بررسی کردند.

بسیاری از کوه‌های آتشفشان برای ذخیره‌سازی کربن دی اکسید مناسب‌اند.

محققان برای مطالعه خود، از بررسی‌های زمین لرزه‌ای دوبعدی و سه‌بعدی آتشفشان زیر دریایی استفاده کردند که در حین استخراج نفت زیر دریایی انجام شده بود. همچنین از داده‌های نمونه‌هایی که در سال ۲۰۰۸ از این منطقه برداشت شده بودند، استفاده کردند. نمونه‌های برداشت شده شامل کربنات بودند که نشان می‌داد واکنش‌های مورد نیاز برای ذخیره کردن کربن در حال انجام است.

علاوه بر این، نمونه‌ها حاوی حداکثر ۴۰ درصد فضای خالی بودند و به عبارتی فضای کافی برای جایگزین شدن دی اکسید کربن وجود داشت. همچنین لایه‌هایی با نفوذپذیری کم در کنار آتشفشان را نیز پیدا کرده بودند که می‌توانستند به گیرافتادن کربن دی اکسید پیش از کانی سازی کمک کنند. دانشمندان معتقدند که کشف آنها بسیار مهم است؛ زیرا در سراسر جهان، تعداد زیادی آتشفشان زیر دریایی وجود دارند که می‌توانند برای جداسازی و ذخیره کردن کربن دی اکسید مورد استفاده قرار گیرند.

جنگ آب؛ از هامون تا نیل

گرمای شدید، خشکسالی و طوفان شن گریبان ساکنان منطقه مرزی افغانستان و ایران را گرفته است. آب گاهی در استان ها آنقدر کم است که با تانکرها به روستاها آورده می شود. در اواخر ماه مه، این منطقه صحنه درگیری خونین شد. تنها چند روز قبل تر، ابراهیم رئیسسی، رئیس جمهوری ایران، طالبان را در اختلاف بر سر آب یک رودخانه مهم مرزی تهدید کرده بود. نه چندان دور از ایستگاه های مرزی، دریاچه هامون قرار دارد که اکنون تقریباً کامل خشک شده است. یکی از دلایل خشکسالی: آب رودخانه هیرمند به طول بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در همسایگی افغانستان که به دریاچه هامون می ریزد، در سمت افغانستان پشت سد هاستموقوف می شود. قرار بود یک توافقنامه از سال ۱۹۷۳ استفاده از آب هیرمند را تنظیم کند. با این حال، در جریان گرمایش زمین، افغانستان نیز تحت تأثیر خشکسالی قرار دارد. آخرین پروژه سدسازی که در سال ۲۰۲۱ تکمیل شد، برق و آبیاری استان نیمروز را فراهم می کند.

لنا پارتوش، استاد علوم سیاسی در دانشگاه فرای برلین، در اینجا پتانسیل برای همکاری را می بیند. یک نشانه این است که طالبان سال گذشته برای حل مناقشه هیرمند به ایران رفتند. پارتوش می گوید: «ایجاد فضایی برای مذاکره به جای سرمایه گذاری در تسلیحات مهم است. ما باید با تغییرات آب و هوا آنها سازگار شویم.»

یک کارشناس آب افغانی نیز به همکاری بیشتر امیدوار است. نجیب الله سدید می گوید: «در سیستان و بلوچستان میزان تبخیر زیاد است. همکاری بین دو کشور به ویژه در حوزه کشاورزی قابل تصور است. توسعه در جایی که امکانات هست، منطقی بوده و باید از هدر رفتن آب جلوگیری کرد.»

شمال شرق آفریقا نیز نشان می دهد که موضوع آب تا چه حد می تواند انفجاری باشد: سد اتیوپی که انتظار می رود پس از تکمیل آن در سال ۲۰۲۴ یا ۲۰۲۵ بزرگترین سد در آفریقا باشد، مصر را برای تامین آب خود از رود نیل و کشاورزی داخلی نگران کرده است. اختلاف بر سر چگونگی پر شدن این مخزن و میزان آب جاری به پایین رود نیل در آینده، حداقل به صورت شفاهی، بارها در جهت تشدید احتمالی نظامی حرکت کرده است.

عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهوری مصر، که در ابتدا صبور و بخشنده به نظر می رسید، اکنون ظاهراً صبر خود را در این مناقشه طولانی مدت از دست داده است. از نظر قاهره، اتیوپی حاضر به سازش نیست و برای زمان بازی می کند. جنگ قدرت در سودان نیز هر گونه میانجیگری را پیچیده تر می کند.

اختلاف بر سر چندین رودخانه مشترک بین هند و پاکستان نیز که در معرض خطر کمبود آب و خشکسالی است، در حال بالا گرفتن است. معروف ترین آنها رود سند است که از تبت سرچشمه گرفته و از بخش هندی منطقه کشمیر می گذرد. بیش از ۶۰ سال است که یک قرارداد همکاری با میانجیگری بانک جهانی وجود دارد. دو این توافق توسط بسیاری از کارشناسان به عنوان روزنه امید و نقطه اجماع نادری بین کشورهای متخاصم تلقی می شود. اما در ماه ژانویه، هند به طور ناگهانی خواستار اصلاح این توافق شد. در مرکز این مناقشه بار دیگر پروژه های سدسازی بزرگ قرار دارند. پاکستان پروژه های برق آبی هند در منطقه کشمیر را برای تامین آب خود مشکل ساز می بیند. از سوی دیگر هند، کشور همسایه را به سازش ناپذیری متهم می کند.

فرانکفورت روندشاو (آلمان) / تحریریه دیپلماسی ایرانی



اهمیت بیانیه مشترک روسیه و شورای همکاری خلیج فارس درباره جزایر سه گانه

زمینه چینی امارات برای استفاده از ظرفیت شورای امنیت و سازمان ملل

ابوموسی است. ببینید قبل از انقلاب تعدادی از خانواده های اماراتی متحده عربی در جزیره ابوموسی ساکن بودند و چون مقامات داخلی درگیر موضوعات در سال های اول انقلاب بودند، امارات متحده عربی هم ۱۰۴ خانه را برای اتباع خود در این جزیره ساخت. البته یک پاسگاه هم مسئول رسیدگی به مسائل همین خانواده اماراتی در جزیره ابوموسی بود. اما جمهوری اسلامی ایران در زمانی که درگیر موضوعات در سال های اول انقلاب و جنگ بود، دید که امارات سعی در سوء استفاده از این شرایط را دارد. به همین دلیل پرچم امارات در این جزیره پایین کشیده شد.

لذا موضوع کاملاً داخلی در ایران است و امارات باید با ایران در مورد مسائل داخلی با طرف ایرانی گفتگو کند و چون قطعاً ایران در شورای امنیت، مجمع عمومی، دادگاه لاهه تن به دادن جزایر و خاک خود را نمی دهد، امارات برنامه دیگر دارد. پس مسئله دقیقاً برعکس است. ما باید ببینیم که ابوظبی چه برنامه ای برای ماچیده است؟! اینجا جاست که من تکرار و تاکید می کنم که امارات دنبال زمینه چینی برای استفاده از ظرفیت های بین المللی است. من دوباره می گویم که بوی توطئه می آید. یعنی چون امارات می داند ایران هیچگاه پای این ادعا حاضر به مصالحه نمی شود و در هیچ جمعی با طرف اماراتی گفت و گو نمی کند. به همین دلیل ابوظبی در تلاش است که از ظرفیت شورای امنیت استفاده کند. اینجا جاست که حتی با عدم حضور ایران و مخالفت تهران امکان تیبانی در شورای امنیت به نفع امارات وجود دارد. برای مثال می گویم از سال ۲۰۰۶ به بعد ۶ قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت صادر شد؛ آیا ایران موافق این قطعنامه ها بود؟! خیر، اما باز هم قطعنامه صادر شدند و همه کشورهای عضو سازمان ملل هم به اجرا و پایبندی به آن موظف بودند. حتی چین و روسیه هم به آن رای دادند. اکنون پای منافع تجاری و اقتصادی کلانی بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با طرف روس و چین در میان است و قطعاً پکن و مسکو این منافع را نادیده نمی گیرند.

نمی کند. چون از نگاه آنها این یک موضوع داخلی در ایران است که طرف اماراتی می تواند با ایران وارد گفت و گو شود. بنابراین امکان ارجاع دو طرفه این پرونده وجود ندارد. پس امارات تلاش دارد با شکل دادن یک میانبر سیاسی، دیپلماتیک و حقوقی از بند ۱ ماده ۹۶ منشور ملل متحد استفاده کند تا با استفاده از ظرفیت شورای امنیت و سازمان ملل برای گرفتن رای مشورتی از دادگاه لاهه استفاده کنند. امارات متحده عربی یک برنامه ریزی دوم دیگری بسایک افق طولانی مدت تری هم دارد که در آنجا هم سعی می شود از بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد است. یعنی اگر امارات متحده عربی موفق شود پرونده را به لاهه بکشد و در مقابل قطعاً ایران هم زیر بارای نااعلان این دادگاه نخواهد رفت. آنجاست که امارات متحده عربی با استفاده از بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد سعی می کند ظرفیت اعضای مهم و کلیدی و ثابت شورای امنیت و دارایی حق و توهستند را در این موضوع داشته باشد.

پس امارات سعی دارد یک ادبیاتی را برای این موضوع تعریف کند. یعنی امارات تلاش دارد یک زمینه چینی ادبیاتی دیپلماتیک داشته باشد و اینجا جاست که یک مقدمه چینی تاریخی را هم مطرح می کند. به همین دلیل چون اکنون شکاف و گسل ها و اختلافات ایران با سه عضو غربی شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه و انگلیس دائماً در حال تشدید است، امارات اکنون نیم نگاهی به استفاده از ظرفیت دو عضو دیگر ثابت شورای امنیت که دارای حق و توهستند، یعنی چین و روسیه دارد. چون تا زمانی که چین و روسیه هم با این موضوع همراه نباشند امکان استفاده و بهره برداری از شورای امنیت وجود ندارد. البته این مسئله به امروز و فردا باز نمی گردد، ولی مطمئن باشید توطئه های در راه است که چند سال دیگر دامن ایران را می گیرد.

مسئله تلاش امارات برای ایجاد یک فضای سنگین دیپلماتیک علیه ایران است. موضوع هم جزایر سه گانه نیست. یعنی تنب بزرگ و تنب کوچک محل اختلاف نیست. مسئله مهمتر جزیره

حشمت الله فلاح پیشه | کارشناس و تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی

من معتقدم این بیانیه و ادعاهایی که مطرح شد بسیار مهمتر و متفاوت از بیانیه های پیشین است که به این قبیل موضوعات اشاره داشت. چون معتقدم اکنون کشورهای حاشیه خلیج فارس و مشخصاً امارات متحده عربی سعی دارند از ظرفیت دو کشور عضو شورای امنیت و دارای حق وتو برای این موضوع جزایر و به خصوص جزیره ابوموسی در قالب رای مشورتی این شورا استفاده کنند. توطئه ای جدی علیه منافع و امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران در راه است. ببینید طی چند ماه اخیر امارات متحده عربی علاوه بر تکرار ادعاهای خود سعی دارد این ادعا را بسط و گسترش بیشتری بدهد. به همین دلیل باید موضوع را جدی تلقی کرد که مهمتر از ادعاهایی که در بیانیه های شورای همکاری خلیج فارس با اتحادیه عرب مطرح می شد.

اماراتی ها می دانند که از طریق شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب یا شورای بین المجالس که من عضو آن بودم، موضوع ادعا بر سر جزایر ایرانی را مطرح کنند به جایی نمی رسد. اما برنامه امارات متحده عربی عوض شده است و سعی دارد از بند اول ماده ۹۶ منشور ملل متحد استفاده کند. طبق این بند، شورای امنیت سازمان ملل با مجمع عمومی سازمان ملل می توانند از دیوان دادگستری در لاهه درخواست رای مشورتی کنند و چون امارات به این ارزیابی رسیده است که انزوای ایران ادامه پیدا خواهد کرد، سعی می کنند چنین چشم اندازی را برای خود تعریف کنند تا در ادامه سبتر و فضا برای استفاده از رای مشورتی در قالب شورای امنیت و مجمع عمومی و دادگاه لاهه شکل بگیرد و یک هجمه سنگین دیپلماتیک علیه ایران به وجود آید.

تا زمانی که دو طرف ایرانی و اماراتی راضی و حاضر نباشند دیوان، صلاحیت ورود مستقیم به موضوع را ندارد. ایران هیچگاه چنین کاری

تاسیس شرکت سهامی خاص ایلیا ظرفیت کوشا در تاریخ ۱۴۰۲.۰۴.۱۳ به شماره ثبت ۶۱۴۹۳۶ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۳۷۳۸۹۴ ثبت و امضا ذیل دفتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۴۰۲۰۳۰۳۰۰۶۷ مورخ ۱۴۰۲.۰۳.۱۳ نزد بانک آینده شعبه پاسداران زمره با کد ۰۳۰۲ پرداخت گردیده است امضا هیئت مدیره خاتم سیما زندیبارزیسی به شماره ملی ۰۴۹۲۵۵۲۳۵۵ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خاتم سحر احمدوندانورزسانی به شماره ملی ۰۳۴۱۹۲۴۰۳۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت نائب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خاتم سارا احمدوندانورزسانی به شماره ملی ۰۳۴۲۳۸۱۷۸۵ به سمت مدیر عامل به مدت ۲ سال و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال داندگان حق امضا: خاتم سیما زندیبارزیسی به شماره ملی ۰۴۹۲۵۵۲۳۵۵ با سمت رئیس هیئت مدیره و خاتم سارا احمدوندانورزسانی به شماره ملی ۰۳۴۲۳۸۱۷۸۵ با سمت مدیر عامل و عضو هیات مدیره، متفقاً همراه با مهر شرکت دارای حق امضا کلیه لورق و اسناد بهادار و تمهید آور شرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادهای عقود اسلامی و خاتم سارا احمدوندانورزسانی به شماره ملی ۰۳۴۲۳۸۱۷۸۵ با سمت مدیر عامل و عضو هیات مدیره دارای حق امضا کلیه لورق عادی و اناری به همراه مهر شرکت اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه بازرسی خاتم مهشید جزوی به شماره ملی ۰۰۶۲۳۳۱۹۷۳ به سمت بازرسی علی الیدل به مدت ۱ سال خاتم فاطمه درویش زاده به شماره ملی ۰۲۰۲۱۷۲۲۲۷ به سمت بازرسی اصلی به مدت ۱ سال روزنامه کثیر الانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۲۳۹۲۶)

موضوع فعالیت طراحی و اجرا و پشتیبانی شبکه دادهها، مشاوره و نظارت بر طرح های انفورماتیک، تولید و پشتیبانی نرم افزار های سفارش مشتری، تولید و فروش و پشتیبانی بسته های نرم افزاری، طراحی و توسعه سیستم های نرم افزاری و سخت افزاری، ارائه خدمات مشاوره و مدیریت و مدیریت طرح در زمینه موضوع فعالیت شرکت، خرید و فروش و صادرات و واردات ماشین های اداری رایانه ای و دیجیتال، طراحی و نصب و پشتیبانی شبکه های کامپیوتری، انجام خدمات فنی و طراحی در زمینه موضوع فعالیت شرکت، طراحی و راه اندازی و تعمیرات سیستم های کامپیوتری و کنترلی، تحلیل، طراحی، تولید، پشتیبانی نرم افزار های جامع کاربردی و انجام خدمات مشاوره در زمینه های فناوری اطلاعات، تولید نرم افزار، صادرات خدمات فنی و مهندسی در زمینه رایانه، تهیه مشخصات فنی سیستم های کامپیوتری و خرید، فروش، توزیع، تولید، بسته بندی، واردات و صادرات و خدمات پس از فروش کلیه کالاها و مجاز بازرگانی، ارائه خدمات مشاوره ای به منظور تسریع، تسهیل فرایند اخذ مجوز بهره برداری از کارخانجات تولیدی و صنعتی، اخذ و اعطای نمایندگی، اخذ وام و تسهیلات بانکی به صورت ارزی و ریالی از کلیه بانکها و موسسه مالی و اعتباری در داخل و خارج از کشور، گشایش اعتبارات اسنادی نزد تمامی بانکها، عقد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی، شرکت در کلیه مناقصات و مزایدهات و بیعانات در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط، ترخیص کالا از کلیه گمرکات داخلی و خارجی در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، سعادت آباد، خیابان شهید وحید ریاضی بخشایش، بن بست قائم، پلاک ۴، طبقه ۳، واحد ۳۰۲ کد پستی ۱۹۹۸۸۹۸۹۲۷ سرمایه شخصیت

تنش خطرناک ترمی شود

پشت پا به اخلاق با تحویل بمب‌های خوشه‌ای به اوکراین



بر اساس آمار رسمی بین ۲ تا ۶ درصد مواد منفجره پس از حمله اولیه فعال باقی می‌مانند. هنوز طبق گفته آمریکا، این میزان در طرف روسیه بیش از ده برابر خواهد بود.

بحث برانگیز برای متعادل کردن برتری روسیه در توپخانه هموار کرده است. این اعتراف به ضعف مربوط به همه متحدان غربی اوکراین است. بیش از یک سال پس از آغاز تهاجم روسیه، نشان می‌دهد که روسیه همچنان در تلاش است تا از مناقشه به‌طور کامل استفاده کند. راهبرد حملات سیستماتیک آن علیه مناطق مسکونی که در ربع قرن گذشته در چندین صحنه عملیات آزمایش شده است نیز این را ثابت می‌کند. امروز، اوکراین را روز به روز، شب به شب در وحشت فرو می‌برد. جنگ ترسوها علیه شهرهای اوکراین آشکارترین جنایت جنگی است که ارباب کرملین در آن مقصر است اما آمریکا نیز بی‌تقصیر نیست و با دادن سلاح‌های مرگبار بیشتر به اوکراین بر آتش جنگ بنزین می‌ریزد. حالا هم با دادن بمب‌های خوشه‌ای بر بی‌اخلاقی خود در جنگ‌ها صحنه گذاشته است. / لوموند / دیپلماسی ایرانی

ایالات متحده آمریکا با ریاست جمهوری جو بایدن که مجبور به مشاهده برتری روسیه در توپخانه شده بود، با موافقت با تامین این سلاح‌های بحث برانگیز که در بسیاری از کشورها استفاده از آنها به علت آسیبی که به مردم غیرنظامی وارد می‌کند، ممنوع است، مانع اخلاقی را پشت سر گذاشت. مهمات خوشه‌ای که در میدان جنگ بسیار موثر هستند، یک نقص بزرگ دارند. هنگامی که در لحظه برخورد به طور کامل منفجر نمی‌شوند، مناطق مورد نظر را برای همیشه آلوده می‌کنند و به‌طور کاملاً بی‌رویه به مردم غیرنظامی آسیب می‌زنند. بر اساس آمار رسمی بین ۲ تا ۶ درصد مواد منفجره پس از حمله اولیه فعال باقی می‌مانند. هنوز طبق گفته آمریکا، این میزان در طرف روسیه بیش از ده برابر خواهد بود. شدت نبردهای متعارف در حال انجام، ذخایر آمریکا را تحت فشار قرار داده، تاجایی که راه‌برای این تحویل‌های

امنیت داخلی در خطر است نگرانی اسرائیل از «روز جهنم»



ارتش اسرائیل اجرای تمرین‌هایی را آغاز کرده که در آن روبرویی با عرب‌های مناطق اشغالی ۱۹۴۸ در چارچوب جنگ احتمالی در چند جبهه تمرین می‌شود که شامل روبرویی با غزه، لبنان، سوریه و احتمالاً ایران در کنار کرانه باختری و عرب‌های داخل اسرائیل خواهد شد. به گفته بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، ۱۰ گردان نظامی در این تمرین‌ها شرکت دارند و کمیته‌ای در سطح وزیران به ریاست بنیامین نتانیاها برای رسیدگی به امور جوامع عربی مقیم اسرائیل تشکیل شده است. این رویکرد دولت ائتلافی نتانیاها در خصوص عرب‌های مقیم اسرائیل در شرایط حساس کنونی نمی‌تواند بدون دلیل باشد و نشان می‌دهد نگرانی‌های جدی از سناریوهای آینده در دولت اسرائیل وجود دارد. یکی از این نگرانی‌ها که دستگاه‌های امنیتی در خصوص آن هشدار داده اند سناریوی «روز جهنم» است که شامل انتفاضه جوامع عربی مقیم اسرائیل و پیوستن آنها به انتفاضه فلسطینی‌ها در قدس و نابلس و جنین است که جبهه جدیدی در برابر اسرائیل خواهد گشود.

خدمت نکردن عرب‌های اسرائیلی در ارتش و نهادهای نظامی به استثناء دروزی‌ها نشان دهنده بی‌اعتمادی حاکمیت اسرائیل به این جوامع است. به علت وجود همین بی‌اعتمادی، دولت اسرائیل به دنبال تغییر وضعیت کنونی و ایمن کردن این جبهه است که فعال شدن آن می‌تواند خطراتی جدی برای اسرائیل به دنبال داشته باشد. سرویس امنیت داخلی اسرائیل (شاباک) مسئول تعامل پیشدستانه با این خطر شده و به جای آن که منتظر خطر بماند، در صدد به شکست کشاندن هر گونه طرح و برنامه‌ای در این چارچوب است. این پیش‌بینی که اسرائیل در آینده با یک رشته روبرویی‌های خونین در داخل مواجه خواهد شد، ضرورت برخورد پیشدستانه و خنثی کردن همه خطرات علیه امنیت اسرائیل را مطرح کرده است. به همین علت است که دادگاه عالی اسرائیل احکامی را صادر کرده است.

برخی وزیران در کابینه ائتلافی اسرائیل خواستار اخراج عرب‌ها به خارج از مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸ هستند و این اقدام را برای حفظ امنیت اسرائیل در داخل و ایجاد مصونیت ملی داخلی در کشور در برابر خطرات و چالش‌های کنونی و آینده، ضروری می‌دانند. طرح پاکسازی کشور یهوداز بیگانگانی که علیه امنیت آن اقدام می‌کنند، در همین چارچوب مطرح شده و اخراج عرب‌های اسرائیلی جزء اولویت‌های دولت کنونی قرار گرفته است. اما مشکلی که وجود دارد این است که عرب‌های اسرائیلی به کجا رانده شوند؟ یکی از دیدگاه‌ها این است عرب‌های اسرائیلی به منطقه صحرائی نقب کوچ داده شوند که اسرائیل ساهل‌هاست برای توسعه آن تلاش می‌کند ولی موفق نشده است. شیمن پوز، رئیس جمهوری پیشین، از جمله افرادی بود که طرح کوچاندن عرب‌ها به نقب را در قالب طرح توسعه این منطقه مطرح کرد ولی اجرای این طرح به بودجه کلانی نیاز دارد که تامین آن در شرایط اقتصادی کنونی اسرائیل دشوار است. با این حال طرح پاکسازی اسرائیل از شهروندان عرب عملاً از شهر قدس و با تغییر یافت و چهره این شهر آغاز شده است و در آینده به سایر مناطقی که عرب‌ها در آنجا سکونت دارند گسترش خواهد یافت. هدف حاکمیت اسرائیل، حفظ یهودی بودن کشور و ایجاد مصونیت ملی گسترده در برابر تحولاتی است که امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند.

این‌دیندنت عربی / دیپلماسی ایرانی

کمک اردوغان به نتانیاها تنفس مصنوعی اردوغان به دولت اسرائیل!

اسلام ذوالقدرپور | کارشناس ارشد مسائل سیاسی و بین‌الملل

و نیازمند حمایت خارجی برای ادامه حیات هستند. نتانیاها که در داخل اسرائیل با موج‌هایی بزرگ و مستمر از اعتراضات فراگیر روبه‌رو بوده و در نظام جهانی نیز در فشار شدید متحدین خود برای توقف رویکرد دیکتاتوری داخلی و توقف تهاجم علیه فلسطین مواجه است، مانند بیماری است که تنفس دچار مشکل شده و برای ادامه حیات به تنفس مصنوعی نیاز دارد. این پذیرش و پذیرایی از نتانیاها در ترکیه صورت می‌گیرد.

ادعای کمک دولت ترکیه به فلسطین و محکوم کردن تهاجم ارتش اسرائیل به شهرها و کشتار شهروندان بی‌دفاع فلسطینی که از سوی دولت ترکیه طرح می‌شود را می‌توان استفاده ابزاری از مسئله فلسطین دانست که به سیاست مذهبی و پرستیژ اسلامی اردوغان کمک می‌کند. اما واقعیت نیست و اهداف اردوغان را می‌توان در سیاست‌گذاری خارجی ترکیه مشاهده کرد که برای حفظ خود (دولت اردوغان)، به تنفس دهان به دهان با نتانیاها و کمک نفس مصنوعی به دولت افراطی نتانیاها در اسرائیل حاضر است. دولت اردوغان به‌خصوص وزیر جدید امور خارجه این کشور آقای هاگان فیدان که دارای اندیشه و رویکرد روابط و توافق با تمام همسایگان است، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای برای تبدیل ترکیه به کانون صلح اسرائیلی کرده است.

صلح اسرائیل با کشورهای اسلامی و عربی منطقه با مدیریت و هدایت ترکیه می‌تواند سرمایه‌ها و کمک‌های اقتصادی و مالی ویژه‌ای برای ترکیه و رشکسته به همراه داشته باشد. بنابراین سیاست‌گذاری خارجی دولت اردوغان و شخص هاگان فیدان بر پایه برقراری صلح اسرائیل و کشورهای اسلامی به‌خصوص تلاش برای برقراری خطوط ارتباطی میان ایران و اسرائیل طراحی شده است. ترکیه تلاش دارد از فرایند صلح اسرائیل و جهان اسلام، منافع اقتصادی و البته ژئومونی دیپلماسی خود در جهان اسلام را با تعریف کند و بهبود بخشد. در این چارچوب است که اردوغان می‌تواند پذیرای نتانیاها در ترکیه باشد تا شاید بتواند الگویی از تعامل اسرائیل با کشورهای منطقه مانند ایران، سوریه، عربستان و ... را احیا و مدیریت کند.

خلاصه‌ای از یادداشت منتشره در دیپلماسی ایرانی



نتانیاها که در داخل اسرائیل با موج‌هایی بزرگ و مستمر از اعتراضات فراگیر روبه‌رو بوده و در نظام جهانی نیز در فشار شدید متحدین خود برای توقف رویکرد دیکتاتوری داخلی و توقف تهاجم علیه فلسطین مواجه است، مانند بیماری است که تنفس دچار مشکل شده و برای ادامه حیات به تنفس مصنوعی نیاز دارد. تغییرات در سیاست منطقه‌ای و بازی قدرت جهانی در آسیای جنوب غربی به گونه‌ای است که بازیگران بزرگ را به سیاست‌ها و تاکتیک‌های ویژه و شگفت‌آورد می‌کند. گفت‌وگو و توافق دو دولت ترکیه و اسرائیل برای سفر تاریخی نتانیاها به ترکیه در جولای ۲۰۲۳ را می‌توان یکی از این سیاست‌های شگفت‌برشمرد. سیاست شگفت‌انگیزی که نتانیاهاوی بدنام در نظام جهانی و شکننده در داخل اسرائیل را در آغوش اردوغان مدعی رهبری جهان اسلام و شکننده در داخل ترکیه قرار می‌دهد!

زمانی که دولت آمریکا و جو بایدن، رئیس جمهوری این کشور، از دعوت و پذیرش نتانیاها در کاخ سفید خودداری می‌کند و دولت افراطی اسرائیل را به تغییر رویکرد در مقابل مخالفین و اعتراض کنندگان داخلی این دولت و عدم تهاجم به فلسطینی‌ها توصیه می‌کند، اردوغان در حال رابزنی برای پذیرایی از نتانیاهاوی منزوی در نظام جهانی و عامل حمله به شهرهای فلسطینی و کشتار شهروندان فلسطین در ترکیه است.

در حالی که جهان اسلام درگیر ماجرای آتش زدن و توهین به قرآن در سوئد بود، خبر سفر نتانیاها به ترکیه در رسانه‌های منطقه انعکاس چندانی نداشت. سیاست تعامل و توافق با اسرائیل که از سوی دولت ترکیه پیگیری می‌شود، سیاستی است که به تضمین بقای دولت اردوغان در راستای جلب حمایت اروپا و آمریکا چشم دوخته است.

پذیرایی اردوغان از نتانیاها در ترکیه را می‌توان کمک فوری و اورژانسی اردوغان به دولت افراطی و شکننده نتانیاها دانست که در قالب تنفس مصنوعی اردوغان به نتانیاها قابل تفسیر است. زیرا هر دو دولت اردوغان و نتانیاها به‌شکندترین حالت خود رسیده‌اند



فاطمه حیدریان | خلاصه و تنظیم

برخی شرکت‌ها نظام سنجش عملکرد رسمی در سطح شرکت دارند. نظام‌هایی مثل شش سیگما و کارت امتیازی متوازن نمونه‌هایی از نظام سنجش عملکرد رسمی هستند. چنین نظامی مدیران را قادر می‌سازد فعالیت‌های کسب و کار سازمان را بررسی کنند و دیدی کلی از عملکرد شرکت به دست بیاورند. سایر شرکت‌ها از رویکرد ساده‌تری استفاده می‌کنند و عملکرد یک یا چند جنبه کسب و کار را ارزیابی می‌کنند.

مهم نیست که شرکت از چه نظام سنجش عملکردی استفاده می‌کند، همه سازمان‌ها از شاخص‌های کلیدی عملکرد برای ارزیابی عملکردشان بهره می‌برند.

شاخص کلیدی عملکرد چیست؟

شاخص کلیدی عملکرد معیاری است که نشان می‌دهد سازمان در جنبه خاصی از عملکردش چگونه عمل می‌کند. شاخص کلیدی عملکرد نمودی از عامل کلیدی موفقیت است، فعالیتی که برای تحقق هدفی استراتژیک ضروری است. سازمان‌هایی که عملکرد را اندازه می‌گیرند، عوامل کلیدی موفقیتی را شناسایی می‌کنند که برای تحقق اهداف استراتژیک لازم هستند.

به طور معمول، تمام واحدهای شرکت مجموعه شاخص‌های کلیدی عملکردی دارند که اهداف شرکت را پشتیبانی می‌کنند. داده‌های شاخص‌های کلیدی عملکرد یک واحد را می‌توان برای نشان دادن عملکرد سازمان در آن حوزه به کار برد.

سه نوع شاخص کلیدی عملکرد

شاخص‌های کلیدی عملکرد سه نوع هستند. نخست، شاخص‌های کلیدی عملکرد خود فرایند، که بازدهی یا بهره‌وری یک فرایند کسب و کار را می‌سنجند. شاخص‌هایی مثل «متوسط زمان تعمیر»، «متوسط زمان انجام سفارش»، «تعداد زنگ‌های تلفن قبل از برداشتن گوشی» و «مدت زمان استخدام افراد برای پست‌های خالی» مثال‌هایی از این نوع شاخص هستند.

دوم، شاخص‌های کلیدی عملکرد ورودی فرایند، که دارایی‌ها و منابعی را نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری می‌کنیم یا از آن برای رسیدن به نتایج کسب و کار استفاده می‌کنیم. «مبلغ هزینه تحقیق و توسعه»، «میزان سرمایه‌گذاری برای آموزش کارکنان»، «مهارت و دانش کارکنان جدید» و «کیفیت مواد خام» نمونه‌هایی از شاخص کلیدی عملکرد ورودی هستند.

سوم، شاخص‌های کلیدی عملکرد خروجی فرایند، که نتایج مالی و غیرمالی فعالیت‌های کسب و کار را می‌سنجند. «درآمد»، «تعداد مشتریان جدید» و «درصد افزایش کارکنان تمام وقت» نمونه‌هایی از این نوع شاخص هستند.

تمام این سه نوع شاخص کلیدی عملکرد «فرایند، ورودی و خروجی» اطلاعات ارزشمندی از عملکرد را ایجاد می‌کنند.

ترکیبی از این سه نوع معیار، تصویری جامع از عملکرد سازمان یا واحد ارائه می‌دهد.

شما و شاخص‌های کلیدی عملکرد

حتی اگر رئیس‌تان نخواهد شاخص‌های کلیدی عملکرد فرآیند، ورودی یا خروجی را رصد کنید، شناخت این شاخص‌ها ضروری است. چرا؟ یک دلیل خوب وجود دارد. بارها این واژه‌ها در سازمان به گوش‌تان خورده است. همچنین باید بدانید که سازمان چگونه عوامل توفیق خود را شناسایی می‌کند. برای مثال، تمرکز سازمان شما برای بودجه‌ریزی چیست؟

در بسیاری از صنایع، محققان از شاخص کلیدی عملکرد برای رد کردن شیوه اندازه‌گیری معیارها در مقایسه با رقبا استفاده می‌کنند. اگر بخواهید این مطالعات را درک کنید، باید شاخص کلیدی عملکرد را متوجه شوید. به علاوه، این شاخص‌ها به شما کمک می‌کنند نقش خود را در تحقق اهداف سازمان روشن سازید. در نهایت، اگر نشان دهید که شاخص‌های کلیدی عملکرد شرکت را می‌دانید، بر اعتبار شما افزوده خواهد شد.

چه کسی از شاخص کلیدی عملکرد استفاده می‌کند؟

مدیران تمام سطوح سازمان می‌توانند شاخص‌های کلیدی عملکرد را پیگیری کنند و ارزیابی نمایند که گروه کاری آن‌ها تا چه اندازه اهداف کسب و کار را محقق کرده است؟ فرقی نمی‌کند که عملکرد، افزایشی یا کاهش‌ی باشد، می‌تواند عملکرد گروه را با سایر واحدها یا گروه‌های شرکت مقایسه کرد. به مثال‌های زیر دقت کنید.

- مدیرعامل نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری را به تفکیک واحدهای سازمان، جریان نقدینگی شرکت را به صورت ماهانه و فصلی بررسی و با نتایج رقبا مقایسه می‌کند.

- مدیر خدمات مشتری با پیمایش کیفیت، خدمات مشتری را رصد می‌کند. اگر پیمایش نشان بدهد که کیفیت خدمات کاهش یافته است، باید افراد بیشتری را برای بهبود سطح خدمات به کار بگیرد.

- مدیر رسیدگی به خسارت، بررسی می‌کند چه تعداد ادعای خسارت در سال جاری در مقایسه با سال قبل بررسی شده است. افزایش تعداد ادعاها ما را به این نتیجه می‌رساند که زمان سرمایه‌گذاری بر روی نرم‌افزار بررسی ادعاها برای افزایش سرعت بررسی فرارسیده است.

- مدیر توسعه محصول نسبت به فروش محصولات جدید به کل فروش را می‌سنجد. او تصمیم می‌گیرد سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی تحقیق و توسعه برای افزایش این نسبت انجام دهد.

- مدیر منابع انسانی درصد کارکنانی را که به برنامه آموزشی داوطلبانه پیوسته‌اند محاسبه کرده و آن را با هدف تعیین شده مقایسه می‌کند. کمتر بودن درصد کارکنان به این معناست که برنامه آموزشی توفیقی نداشته است و باید بررسی کنیم که چرا این گونه است. این کار به صرفه‌جویی هزاران دلار و کنار گذاشتن برنامه‌های آموزشی غیرموثر

منجر خواهد شد. - متخصص ارتباطات، نتایج پیمایش کارکنان را مرور می‌کند تا ببیند آیا کارکنان استراتژی شرکت را می‌دانند، نبود درک استراتژی به این معناست که مدیرعامل شرکت و سایر مدیران باید روشن‌تر درباره استراتژی حرف بزنند یا از ابزارهای متفاوتی برای ارتباط با کارکنان استفاده کنند.

اگر به تازگی مدیر شده‌اید، ممکن است ندانید چه شاخص کلیدی عملکردی برای گروه یا واحد شما مناسب است. چگونه این شاخص‌ها را تعیین می‌کنید؟ از رئیس خود بپرسید باید چه معیارهایی را برای پیگیری عملکرد گروه استفاده کنید. اگر در گروه شما تحلیل‌گر کسب و کار هست، ببینید آیا او برای بحث درباره شاخص‌های کلیدی عملکرد واحد و یا سایر معیارهای عملکرد دسترس است؟

خلاصه‌شده در تحریریه‌ی افق اقتصاد از کتاب «ارزیابی عملکرد» ادامه دارد...

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص بافته‌های نگین ماهان به شناسه ملی ۱۴۰۲۰۸۰۱۹۱ و به شماره ثبت ۱۶۵۴۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲۰۲۰۲۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خاتم نیر اعظم سیف الهی به شماره ملی ۰۰۳۶۹۸۸۸۳۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۶ آقای حمیدرضا صادق عابدینی طرفی به شماره ملی ۱۲۳۹۸۲۲۵۳۷ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۶ آقای محمد رضا صادقی عابدینی به شماره ملی ۱۲۸۶۶۹۰۷۵۷ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۶ انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادهای عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری بامضاء هریک از اعضاء هیئت مدیره منفرداً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۵۲۳۹۲۸)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص فرش آوا مشهد به شناسه ملی ۱۴۰۳۰۵۷۲۳۰ و به شماره ثبت ۲۶۸۹۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۲۰۲۰۲۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای حمیدرضا صادق عابدینی طرفی به شماره ملی ۱۲۳۹۸۲۲۵۳۷ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۷ آقای محمد رضا صادقی عابدینی به شماره ملی ۱۲۸۶۶۹۰۷۵۷ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۷ آقای محسن صادقی عابدینی طرفی به شماره ملی ۱۲۸۸۱۷۰۲۳۸ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴۰۳۰۲۰۷ انتخاب گردیدند آقای حمید عیدی به شماره ملی ۰۰۵۳۹۴۹۲۳۴ به سمت بازرس علی البدل و آقای عباس جانقربان به شماره ملی ۰۰۵۶۰۰۲۲۴۲ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال مالی ۱۴۰۱،۱۲،۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۵۲۳۹۲۹)

توکن هواداری منبع درآمدی برای باشگاه‌های فوتبال

توکن هواداری (FanToken) یکی از انواع ارزهای دیجیتال است که به دارندگان و معامله‌گران امکان دسترسی به انواع امتیازات مربوط به عضویت برند یا باشگاه مورد علاقه‌شان را می‌دهد. برای مثال، اگر شما یکی از دارندگان توکن‌های هواداری باشید، می‌توانید از امتیازاتی مثل عضویت در باشگاه طرفداران ویژه، رای دهمی به تصمیمات اساسی باشگاه یا برند، برخورداری از جوایز، بهره‌مندی از طرح‌های ویژه و همچنین تجربیات منحصر به فرد برخوردار شوید. اگر از جمله طرفداران تیم‌های ورزشی و همچنین دنیای ارزهای دیجیتال باشید، حتماً اسم توکن هواداری FanToken به گوش‌تان آشناست.

به گزارش والکس، در دنیای فوتبال، چندین تیم باشگاهی محبوب از جمله بارسلونا، اتلتیکو مادرید، منچستر سیتی، پاری سن ژرمن، اینترمیلان، آرسنال، آس آر، گالاتاسرای و غیره، توکن هواداری خود را از طریق سبایتی به اسم Socios.com منتشر و راه‌اندازی کرده‌اند. اما دنیای توکن‌های هواداری چه جزئیات مهم دیگری دارد و چرا آشنایی با آنها حائز اهمیت است؟ ارتباط خرید چیلیز (CHZ) با فن توکن‌ها چیست؟ با ما همراه باشید.

توکن هواداری (FanToken) چیست؟

همان‌طور که در ابتدای این مقاله اشاره کردیم، توکن هواداری یا همان FanToken از جمله ارزهای دیجیتال هستند که علاوه بر برخورداری از نشان و لوگوی تیم یا برند مورد نظر، امکان دستیابی به امتیازات ویژه را هم فراهم می‌کنند. با توجه به این که یک دارنده توکن طرفداری می‌تواند، هم در باشگاه طرفداران ویژه عضو شود و هم در تصمیمات مهم باشگاه دخالت داشته باشد، اهمیت این توکن‌ها و ارزهای دیجیتال پیش از هر لحظه‌ای حائز اهمیت است؛ چرا که این بار دیگر نه فقط بحث سرمایه‌گذاری و سودآوری، بلکه شرکت کردن در تصمیمات حیاتی یک باشگاه ورزشی یا برند تجاری در میان است؛ پس این ارزهای دیجیتال چیزی فراتر از یک توکن تبلیغاتی و دکوری هستند.

توکن‌های طرفداری علاوه بر امتیازات ویژه‌ای که از آنها نام بردیم، شرایط ویژه دیگری را هم فراهم می‌کنند. برای مثال این توکن‌ها می‌توانند توسط باشگاه‌های ورزشی، کلوپ‌های طرفدار موسیقی و گروه‌های هنری خاص و سایر سازمان‌ها و برندها عرضه شوند تا علاوه بر دموکراتیزه کردن مجموعه مورد نظر، ایجاد یک پایگاه مردمی بهتر هم فراهم شود. شاید برای شما جالب باشد که بدانید، فرایند دموکراتیزه کردن باشگاه‌ها و برندها از طریق راه‌اندازی و فروش توکن‌های هواداری، از جمله ترندهای کارآمد و جالب باشگاه‌ها و برندهای معتبر است. چرا که این باشگاه‌ها و برندها با به فروش رساندن توکن‌های هواداری مخصوص به خودشان، هم به سودآوری قابل توجهی می‌رسند و هم با شرکت دادن کاربران و هواداران، آنها را در تصمیمات مهم باشگاه‌ها و برندها دخیل می‌کنند. برخلاف توکن‌های غیر قابل تعویض (ان اف تی)، توکن‌های طرفداری کاملاً قابل تعویض یا Fungible هستند. قابلیت تعویض یک توکن هواداری به این معناست که آن را می‌توان دقیقاً شبیه به یک ارز رایج یا پول فیات، با کالاهای باشگاه ورزشی مورد نظر یا خدمات VIP آن مبادله کرد. به عبارت ساده‌تر با دست داشتن توکن‌ها طرفداری می‌توان شبیه به سازوکار یک پول نقد از آن استفاده کرد و با توجه به ارزش آن، کالا یا خدمات خرید. علاوه بر همه این موارد مهم که در مورد آنها به بحث نشستیم، این توکن‌ها نقش بسیار پررنگی را در مورد زنده نگه داشتن یاد و نام باشگاه یا برند تجاری مورد نظر و محبوب‌تر کردن آنها در نظر طرفداران و مشتریان ایفا می‌کنند.

ارزش فن توکن‌ها چگونه تأمین می‌شود؟

نکته بسیار جالب در مورد توکن‌های طرفداری، این است که ارزش اساسی آنها لزوماً توسط دارایی‌های خاصی تأمین نمی‌شود. ارزش یک فن توکن‌ها با توجه به میزان ارزشی که طرفداران آن برند یا باشگاه برای آن قائل می‌شوند، ارزیابی و اندازه‌گیری خواهد شد. به عبارت ساده‌تر توکن‌های هواداری، ارزش بالقوه خودشان را از میزان ارزشی که از طریق استقبال هواداران برای شرکت در یا بهره‌مندی از مزایای منحصر به فرد آنها دریافت می‌کنند. برای مثال اگر باشگاه فوتبال پرسپولیس یا استقلال بخواهد یک توکن هواداری برای خودشان راه‌اندازی و عرضه کنند، این میزان استقبال هواداران و طرفداران این دو باشگاه است که نشانگر میزان ارزش آن توکن‌ها خواهد بود؛ یعنی این که هواداران به چه اندازه بخواهند از خدمات ویژه‌ای که این توکن‌ها در اختیارشان قرار می‌دهند، استفاده کنند و برای خرید آنها ترغیب شوند.



اولین و برجسته‌ترین توکن طرفداری

اولین و برجسته‌ترین توکن طرفداری در دنیای کریپتوکارنسی با عنوان چیلیز (Chiliz) ارائه شد. این توکن با انقلابی که در دنیای ارزهای دیجیتال به وجود آورد، باعث شد تا باشگاه‌های ورزشی مختلفی همچون یوونتوس، منچستر سیتی، AC Milan و غیره هم برای ورود به دنیای توکن‌های هواداری ترغیب شوند. توکن چیلیز با علامت اختصاری CHZ در بین تریدرها شناخته می‌شود و هم‌اکنون قابل خریداری است. شاید بتوان دنیای ارزهای دیجیتال و رابطه آن با دنیای محبوب ورزش را با ظهور توکن چیلیز به یکدیگر گره زد. پیدایش و ظهور رمزارز چیلیز برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ کلید خورد. البته شروع فعالیت چیلیز با شروع فعالیت پلتفرم سوشیو (Socios) در هم آمیخته شده است و زمانی که فعالیت پلتفرم مبتنی بر بلاک چین سوشیو آغاز شد، توکن‌های CHZ هم به سرعت وارد دنیای وسیع کریپتوکارنسی شدند تا انقلابی جدید در بازار ارزهای دیجیتال شکل بگیرد.

نکته جالبی که در مورد توکن چیلیز وجود دارد، سرعت استقبال و فروش آن در صرافی‌های مختلف بود که نشانگر آینده درخشان این توکن هواداری در دنیای وسیع ارزهای دیجیتال بود. حالا با گذشت بیشتر از پنج سال، باشگاه‌های ورزشی و برندهای مختلفی در این حوزه ورود کرده‌اند.

اولین و مهم‌ترین شریک و دوستدار توکن چیلیز، باشگاه فوتبال یوونتوس بود. یوونتوس در همان اوایل که چیلیز فعالیت خود را شروع کرده بود، فعالیت خود را در حوزه ارزهای دیجیتال آغاز کرد و اولین توکن هواداری این باشگاه در نوامبر سال ۲۰۱۹ منتشر شد. جالب است بدانید که در نوامبر سال ۲۰۱۹ و در زمانی که یوونتوس اولین توکن طرفداری خود را ارائه کرد، حدود ۳ میلیون توکن از عرضه کل ۲۰ میلیون آن به فروش رسید. این در حالی بود که این حجم بسیار قابل توجه از توکن‌های هواداری باشگاه یوونتوس تنها در عرض یک ماه به فروش رسیدند و هواداران توانستند از این مزایای ویژه برخوردار شوند. شما می‌توانید این توکن‌های محبوب را در کیف پول (Wallet) نگهداری کنید.

توکن هواداری چگونه کار می‌کند؟



طرفداران می‌توانند با خریداری کردن توکن‌های طرفداری، آنها را دقیقاً شبیه به سایر ارزهای دیجیتال معامله کنند. در حین معامله، قیمت یک فن توکن (FanToken) معمولاً توسط فروشنده یا همان هوادار تعیین می‌شود. همچنین لازم به ذکر است که بدانید، با توجه به حرکت بازار و میزان محبوبیت توکن در آن زمان مشخص، ممکن است که قیمت آن هم دستخوش تغییرات

شبکه اتریوم ساخته شده و در دسترس قرار دارد. هواداران با استفاده از این توکن، می‌توانند پیامی که بر روی بازوبند کاپیتانی تیم قرار دارد را انتخاب نمایند. علاوه بر این، خدماتی نظیر دسترسی به جوایز رسمی سال باشگاه و تجربیات VIP دیگری برای دارندگان این توکن در نظر گرفته شده است. این توکن در زمان پیوستن لیونل مسی به باشگاه، تنها در عرض ۵ روز حدود ۱۳۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرد!

توکن باشگاه گالاتاسرای (GALFT)

گالاتاسرای یک باشگاه در کشور ترکیه است که با هواداران پرشور خود شناخته می‌شود. این باشگاه فوتبال برای اولین بار در تاریخ ترکیه، در سال ۲۰۰۰ موفق به کسب عنوان سوپرکاپ و جام یوفا شد. هواداران این تیم می‌توانند با تهیه توکن هواداری این باشگاه، در رأی گیری‌های مدیریتی شرکت کرده و برای خرید کالاهای مرتبط با این باشگاه، تخفیف دریافت کنند.

توکن هواداران باشگاه بارسلونا (BAR)

بارسلونا در سال ۱۸۹۹ تأسیس شده و یکی از بزرگ‌ترین و پرافتخارترین باشگاه‌های فوتبال حال حاضر جهان به شمار می‌رود. توکن مخصوص این باشگاه اسپانیایی، در پلتفرم Socios FanToken با نماد BAR خرید و فروش می‌شود. توکن BAR بر روی شبکه اتریوم ساخته شده و مزایای امنیتی این شبکه را با خود به همراه دارد. دارندگان این توکن می‌توانند در تصمیمات مدیریتی باشگاه شرکت کرده و حتی در مورد پیام نوشته شده بر روی بازوبند کاپیتانی نظر بدهند. همچنین باشگاه بارسلونا مزایایی نظیر برنده شدن جوایز شگفت‌انگیز، دعوت به جلسات و امکان کسب رایگان بلیت‌های مسابقه را برای دارندگان این توکن‌های هواداری در نظر گرفته است.

توکن سانتوس اف سی (SANTOS)

توکن Santos که در نوامبر ۲۰۲۱ راه‌اندازی شد، یک توکن BEP-۲۰ مبتنی بر زنجیره هوشمند بایننس است. این توکن به هواداران باشگاه سانتوس برزیل تعلق دارد. باشگاه سانتوس با بیش از ۱۱۰ سال سابقه، اسطوره‌های بسیاری نظیر پله و رینیو را در لیست بازیکنان خود داشته است. دارندگان توکن هواداری Santos می‌توانند در تمام فعالیت‌های گروهی و رأی گیری‌های مجاز شرکت کنند. با استفاده از این توکن، انتخاب آهنگ پخش شده برای بازیکنان در حین گرم کردن پیش از بازی نیز مهیا خواهد بود. مزایایی نظیر دسترسی به NFT، کالاهای رسمی مربوط به تیم و همچنین دسترسی به پلتفرم GameFi باعث شده تا این توکن از لحاظ ارزش، یکی از بهترین فن توکن‌های موجود در بازار باشد.

چطور توکن هواداری بخریم؟

به‌طور کلی، طرفداران باید توکن CHZ را از طریق یک صرافی ارز دیجیتال معتبر خریداری کنند تا به واسطه آن، توکن‌های طرفداری مربوط به هر باشگاه را در شبکه بلاکچین Chiliz به دست بیاورند. با این حال، توکن‌های طرفداری خاصی هم وجود دارند که از خارج از شبکه Chiliz قرار گرفته‌اند و می‌توان آنها را مستقیماً از وبسایت Socios.com خریداری کرد.

در حال حاضر، شما می‌توانید، بهترین و محبوب‌ترین توکن‌های هواداری را از پلتفرم‌های زیر هم خریداری کنید:

- Binance.com
- Coinbase Pro
- Huobi Global
- Kucoin
- Bithmb
- Chiliz

البته به یاد داشته باشید که به دلیل تحریم‌های اقتصادی، امکان فعالیت کاربران ایرانی در بازار ارز دیجیتال به صورت مستقیم ممنوع است و اگر در صرافی‌هایی مثل Binance به معامله مشغول شوید، احتمال دارد همه دارایی‌های دیجیتال شما بلوکه شوند؛ پس بهتر است که پس از خرید توکن هواداری آن را در کیف پول متماسک خود ذخیره کنید.

اساسی و قابل توجه بشود. هنگامی که کاربران و معامله‌گران به تعدادی معین و مشخص از توکن‌های هواداری دسترسی پیدا کردند، حلقه رأی و حضور در تصمیم‌گیری‌های باشگاه، برند یا سازمان مورد نظر داده می‌شود. موضوع حضور در تصمیمات اساسی با توجه به داشتن توکن هواداری می‌توان شامل دخالت در مسائل زیر باشد:

دخالت در تصمیمات مربوط به طراحی‌های تجاری باشگاه یا برند

تصمیم‌گیری در طرح‌های اتوبوس ویژه تور باشگاه‌های ورزشی

بلیط‌های مسابقه

مکان‌هایی که قرار است، رویداد یا مسابقه در آن برگزار شود امتیازاتی که یک توکن هواداری در اختیار طرفداران قرار می‌دهد، این احساس را به وجود می‌آورد که طرفداران مشارکت بیشتری در باشگاه یا برند دارند و همان ویژگی دموکراتیزه شدن به وقوع می‌پیوندد. این مسائل باعث به وجود آمدن سطح مستحکم‌تری از غرور و حس هواداری بیشتر و همچنین افزایش اعتبار باشگاه یا برند در نزد هواداران خود می‌شود. توکن‌های طرفداری، جامعه‌ای انحصاری و ویژه از همه طرفداران یک باشگاه یا برند می‌سازند تا هم امکان سرمایه‌گذاری و سودآوری به وجود بیاید و هم طرفداران در تصمیم‌گیری‌های حساس و اساسی دخالت داده شوند. با خریداری کردن توکن‌های طرفداری، هم نفوذ بیشتری بر باشگاه می‌توان داشت و هم وفاداری یک هوادار به تیم ورزشی یا برند محبوبش نمایان خواهد شد.

معرفی بهترین پروژه‌های توکن هواداری در ۲۰۲۳

هرچند که توکن‌های هواداری به منظور نشان دادن حمایت از تیم مورد علاقه شما ایجاد شده‌اند، اما شما می‌توانید در صورت تمایل و حتی به عنوان یک سرمایه‌گذاری، نگاهی به سایر گزینه‌های موجود در بازار داشته باشید. در ادامه فهرستی از بهترین پروژه‌های توکن‌های هواداری در سال ۲۰۲۳ را به شما معرفی کرده‌ایم. هر یک از این موارد می‌تواند به عنوان یک گزینه حفظ ارزش، در لیست خرید برای سبد سرمایه‌گذاری شما حضور داشته باشند.

توکن هواداری اتحادیه فوتبال آرژانتین (ARG)

اتحادیه فوتبال آرژانتین یکی از شناخته‌شده‌ترین نهاد‌های ورزشی است. این تیم ملی که موفق به کسب جام جهانی ۲۰۲۲ نیز شد، یکی از مطرح‌ترین تیم‌های ملی حال حاضر جهان به‌شمار می‌رود. نکته قابل توجه ماجرا در اینجا است که توکن ARG به عنوان فن توکن این تیم، تنها شش ساعت پس از انتشار به صورت کامل به فروش رفت! هر توکن در عرضه اولیه ۲ دلار ارزش گذاری شده و ۶۰۰ هزار واحد از آن نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. در حال حاضر این توکن در پلتفرم Socios قابل خرید و فروش است.

توکن هواداران پاری سن ژرمن (PSG)

پاری سن ژرمن یکی از باشگاه‌های قدرتمند و شناخته‌شده فوتبال در فرانسه است. توکن مخصوص این تیم بر روی

«پروازهای خلاقیت»

وقتی سروکله تقویت کننده ها پیدامی شود!

بخش نهم

زهرا زارعی | خلاصه و تنظیم

بعد از آن بارش ذهنی داشتی؟ تمام افراد و روشهایی را که
برایت مفید بوده اند بنویس.

۳. از بین دوستانت چه کسانی انرژی خودشان و تو را بالا
می برند؟ چنین روابطی برای هر دو طرف مفید است.

۴. آیا نیمه دیگر یک تقویت کننده است؟ این سؤال
ممکن است ناراحت کننده باشد؟ حداقل پاسخ دهنده دقیقه
راجع به آن بنویس

۵. آیا تو هم برای پروژه های دیگران تقویت کننده هستی؟
این سؤال انحرافی است. تو می خواهی تقویت کننده
باشی.

ادامه دارد...

از کتاب «پروازهای خلاقیت» راهنمای رفع موانع خلاقیت/
نوشته جولیا کامرون، ترجمه دل آرا قهرمان و لاله مهدی نژاد،
نشر مثلث

هم همان عملکرد را دارند.
اغلب اگر کسی تقویت کننده توست؛ تو هم تقویت کننده
او هستی. به این معنی نیست که یکدیگر را با بند به
هم ببندید و همدیگر را بالا بکشید و نجات دهید. بلکه
مثل این است که بگویید «بیا بذار طناب رو محکم
کنم» سریع و ساده، انجام می شود و خیلی هم به درد
بخور است.

حضور تقویت کننده ها مختصر و مفید است. آنها می آیند
و می روند. حضورشان ممکن است خیلی کوتاه باشد ولی
قدرتانی و سیاسی ما می تواند دائمی باشد.

۱. آیا به اندازه کافی برای پذیرش کمک انعطاف پذیر
هستی؟

۲. با کدام تقویت کننده ها از طریق نامه، اینترنت، تماس
تلفنی، قرار ملاقات در کافه... با موفقیت صمیمی شدی و

وقتی موتور را روشن می کنی و توی این فکری که آیا
به اندازه کافی قدرت دارد که دور بگیرد، ناگهان سروکله
تقویت کننده پیدا میشود. تقویت کننده ها افرادی اند
که دوستی سریع و خالصانه ای با آنها احساس می کنی.
انگار بگویی «خیلی خوشحالم که می بینمت.» وقتی یک
تقویت کننده را می بینی خود را خیلی روشن تر، واضح تر و
شفاف تر احساس می کنی. شاید با او شام بخوری و روز بعد
بدون هیچ دلیل خاصی، ناگهان می دانی قدم بعدی ات
چه باید باشد. تقویت کننده ها لزوماً تمام راه همراهت
نیستند. خیلی وقت ها وقتی مأموریتشان در زندگی ات
تمام شد، ناگهان ناپدید می شوند. خیلی اوقات سالها
بعد زمانی که در ارتفاع بالاتری هستی برمی گردند و باز



کولی بگیرها حواس پرت کن هستند!

باشد. پس کمی تحمل کن. پیشنهاد می کنم وقتی به این سؤال ها پاسخ
دادی پاداشی خیلی خوب، مثلاً یک بستنی قیفی به خودت بدهی!

۱. آیا تا به حال وقتی می خواستی پروژه ات را شروع کنی، بارت توسط یکی
از این کولی بگیرها سنگین شده؟

۲. آیا چابلوسی و تملق گویی کولی بگیرها روی تو اثر می کند؟

۳. آیا در حال حاضر هیچ کولی بگیری در اطرافت فعالیت می کند؟

۴. چگونه می توانی تأثیر او را کم کنی؟ آیا کسی هست که
تمام وقت، توجه یا تمرکز تو را بگیرد؟

۵. آیا می توانی بین کولی بگیر و تقویت کننده فرق بگذاری؟

یا به انرژی کولی بگیرها معتاد شده ای؟

برای بیشتر ما فرآیند جداسازی این

دوازدهم فرآیندی قابل یادگیری است.

ادامه دارد...

از کتاب «پروازهای خلاقیت» راهنمای

رفع موانع خلاقیت/ نوشته جولیا

کامرون، ترجمه دل آرا قهرمان و لاله

مهدی نژاد، نشر مثلث

هر چقدر تنور خلاقیت روشن تر و گرم تر شود دو چیز را بیشتر به خود جذب
می کنی؛ فرصتها و کسانی که پشتات سوار میشوند، یعنی کولی بگیرها!
تو فرصت ها را می خواهی نه کولی بگیرها را.

اینکه موفقیت به صورت خوشه ای اتفاق می افتد و از بخشندگی متولد
می شود کاملاً درست است. اما این مفهوم که به آدم هایی که می خواهند

مجاناً سوار شوند کولی مجانی بدهی کاملاً غلط است. دوستان واقعی
و حمایت کننده های تو به جای اینکه بخوانند توی قایق ات بپرند قایق

خود را پارو می زنند. آنها به جای اینکه فقط به پیک نیک بیایند و چیزی را
که تو درست کرده ای بخورند خودشان چیزی می آورند. فقط کمی تمرین

می خواهد اما بالاخره فرقی را خواهی فهمید و بین شان تمایز قائل خواهی
شد. چیزی که راجع به کولی بگیرها باید بگویم این است که آنها دوست

دارند خودشان را مثل یک فرصت به تو نشان بدهند. از آنجا که بیشتر ما
برای فرصت و توجه کمی گرسنه هستیم می توانیم به راحتی توسط کسی

که به ما می گوید چقدر فوق العاده ایم، خام شویم و فکر کنیم کولی بگیرها
فرصتی بزرگ به ما پیشکش می کنند. کولی بگیرها حواس پرت کن هستند.

آنها واقعا نمی خواهند کمکت کنند؛ بلکه می خواهند تو به آنها کمک کنی.
سؤالهای زیر جنبه ای انحرافی دارند و پاسخ به آنها ممکن است دردناک

